



## اعتقاد به هدایت خداوندی و اعتماد به حواس منشأ شک‌گرایی مدرن است

استاد ممتاز فلسفه دانشگاه هاروارد و فیلسوف تحلیلی معاصر معتقد است: استدلال دکارت در خصوص وجود هدایت خداوندی و اتکا به حواس اگرچه برخی را متقاعد کرده ولی در مقابل برخی را متقاعد نکرده و باعث به وجود آمدن نوعی شک‌گرایی مدرن شده است.

استاد ممتاز فلسفه دانشگاه هاروارد و فیلسوف تحلیلی معاصر معتقد است: استدلال دکارت در خصوص وجود هدایت خداوندی و اتکا به حواس اگرچه برخی را متقاعد کرده ولی در مقابل برخی را متقاعد نکرده و باعث به وجود آمدن نوعی شک‌گرایی مدرن شده است.

پروفسور "هیلاری پاتنم" فیلسوف معاصر و استاد ممتاز فلسفه دانشگاه هاروارد در مورد کتاب اخیر خود به خبرنگار مهر گفت: موضوع کتاب اخیر من نظریه‌های جدید و معاصر است که در باب شناخت مطرح هستند.

وی تصریح کرد: این کتاب را با مشارکت یکی از دانشجویان قبلی‌ام با نام "هیلا جاکوبسن" در حال نگارش هستم.

استاد ممتاز دانشگاه هاروارد در ادامه یادآور شد: در حال حاضر سه فصل از این کتاب نوشته شده است. مابقی فصول هم در حال نگارش هستند.

معروف‌ترین فیلسوف تحلیلی معاصر در ادامه تأکید کرد: فصل اول این کتاب به موضوع شک‌گرایی و اهمیت تاریخی فلسفه ذهن می‌پردازد. می‌دانیم که مفهوم مدرن از ذهن برای اولین بار توسط دکارت مطرح شد.

این استاد ممتاز دانشگاه هاروارد یادآور شد: کاری که دکارت کرد این بود که میان مفهوم قدیمی هوش (intellect) و مفهوم روان (psyche) که مربوط به دوران میانه است، ارتباط برقرار کند و آنها را در قالب یک مفهوم واحد بیان کند.

برگزیده کتابخانه فیلسوفان جهان در سال 2011 میلادی گفت: بر همین اساس است که ذهن محوری‌ترین مفهوم در فلسفه دکارت است. دکارت به طور عالی تلاش کرد تا نشان دهد که ما به وجود خدا دانا هستیم و از رهگذر این اطمینان که فقط خدا به ما اجازه نخواهد داد که به طور نظام مند گمراه شویم و گول بخوریم از سوی دیگر ما می‌دانیم که می‌توان بر احساس خود اتکا داشته باشیم.

این فیلسوف تحلیلی در پایان تأکید کرد: این استدلال دکارت اگرچه برخی را متقاعد کرده ولی در مقابل برخی را متقاعد نکرده و باعث به وجود آمدن نوعی شک‌گرایی مدرن شده است.

هیلاری پاتنم از تأثیرگذارترین فیلسوفان معاصر است که بر طیف وسیعی از حوزه‌های مطالعاتی و دانشگاهی تأثیرگذار بوده است. پاتنم تقریباً در همه شاخه‌های فلسفه تحلیلی (فلسفه ذهن، فلسفه زبان، فلسفه علم، فلسفه فیزیک، فلسفه ریاضیات و ...) تأثیرگذار بوده است.

پاتنم در کنار ریچارد رورتی و دیگر اندیشمندان پساتحلیلی جان تازه‌ای در پراگماتیسم دمیدند و آن را در چشم انداز همگان، از فیلسوفان تحلیلی گرفته تا مخالفان ایشان، قرار دادند.

هرچند او را می‌توان فیلسوفی پساتحلیلی به شمار آورد اما اهداف و روشهای وی همان اهداف و روشهای سنت تحلیلی یعنی دقت در استدلال و روشن بودن مفاهیم است.

.....

گفتگو از جواد حیران‌نیا